

ارزیابی کتابهای درسی دانشگاهی علوم انسانی براساس شاخصهای مطلوب کتابهای درسی دانشگاهی

* دکتر محمد حسین یارمحمدیان

** دکتر محمد آرمند

*** هاجر زارعی

hajarzareei@gmail.com

چکیده

در فرایند ارزیابی کتابهای درسی دانشگاهی، اطلاعات لازم درباره کتاب درسی جمع آوری می‌شود تا بتوان در مورد ارزش و کیفیت و میزان مطلوب بودن آن قضاوت کرد. هدف پژوهش حاضر ارزیابی کتابهای درسی دانشگاهی علوم انسانی براساس شاخصها و معیارهای مطلوب کتابهای درسی است. جامعه آماری پژوهش شامل 21 کتاب درسی دانشگاهی رشته‌های علوم انسانی دانشگاه اصفهان (11 کتاب)، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان (5 کتاب)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (5 کتاب) است؛ این کتابها در سالهای 1387 و 1388 چاپ شده‌اند. برای جمع آوری اطلاعات از چک‌لیست محقق ساخته استفاده شده است که 8 هدف پژوهش را در قالب 50 سؤال به صورت بلی و خیر بررسی کرده است. به طور کلی، در ارزیابی کتابهای مورد بررسی، هدفهای 2، 5، 6، 7 در حد پایین؛ هدف 1 در حد متوسط و هدفهای 3، 4 و 8 در حد مطلوب رعایت شده‌اند. در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت که در تألیف کتابهای درسی دانشگاهی مورد بررسی، از معیارها و شاخصهای مطلوب کتابهای درسی دانشگاهی به نحو مطلوب استفاده

* دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)

** استادیار مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی «سمت»

*** دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)

نشده است و مؤلفان و ناشران آنها براساس سلايق و نظرات خود به تأليف و انتشار اين کتابها پرداخته‌اند. پيشنهاد می‌شود شاخصهای ارائه شده در اين پژوهش در کمیته نشر کتب علوم انسانی در دانشگاههای بررسی و تصویب شده، به عنوان معیار برای ارزیابی تصمیم‌گیری چاپ کتابهای درسی انتخاب شود.

کلیدواژه‌ها

کتاب درسی دانشگاهی، معیارهای ارزیابی، شاخصهای مطلوب، چک لیست.

مقدمه

نگارش کتابهای درسی دانشگاهی به علت داشتن مخاطبان فراوان و اهداف خاص، همواره به عنوان یکی از ابزارهای اساسی آموزش مورد توجه بوده است. در سالهای اخیر به دلیل گسترش آموزشهای نیمه حضوری و از راه دور، اهمیت تأليف و تدوین کتابهای درسی مطلوب دانشگاهی بیش از پیش فزونی یافته است. تأليف کتاب درسی مطلوب، همانند انجام دادن پژوهش علمی، به برنامه‌ریزی و طراحی دقیق قبلی نیازمند است. بررسی کتابهای موجود این حقیقت را آشکار می‌کند که بسیاری از آنها معیار و شاخصهای مطلوب و لازم یک کتاب درسی را ندارند. مهم‌ترین دلیل آن به گفته آرمنند و دیگران (1376، ص 21-26)، مشخص نبودن ملاکها و ویژگیهای کتابهای مطلوب دانشگاهی و ناآشنایی مؤلفان و تدوین‌کنندگان در این زمینه است. پس، نارسایی و کاستی در کتابهای درسی، نظام آموزش را با مشکلات جدی روبه‌رو خواهد ساخت؛ به همین دلیل مؤلفان علاوه بر برخورداری از تخصص و مهارت لازم در زمینه موضوع مورد نظر، باید به اصول، فنون و مشخصه‌های تأليف کتاب درسی اشراف داشته باشند (معاونت پژوهش مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، 1382). می‌توان با ارزشیابی زمینه را برای بهبود کیفیت کتابهای درسی فراهم کرد. اگر مؤلف یا سازمان تهیه‌کننده کتب درسی دانشگاهی، از ارزشیابی کتب غفلت نمایند، ممکن است زحمات و سرمایه فراوانی هدر برود و کتاب درسی تهیه شده کاربردی نداشته باشد و وقت استاد و دانشجو تلف گردد.

معیار و شاخصهای مطلوب کتاب درسی

در پژوهشی با عنوان «ویژگیهای کتاب درسی مطلوب دانشگاهی از دیدگاه استادان و

دانشجویان» که آرمنند و دیگران (1376، ص 25) بدان پرداختند، دانشجویان رشته‌های علوم انسانی دانشگاه‌های تهران و همچنین استادان و صاحب‌نظران کشور در رشته‌های مختلف علوم انسانی اعتقاد داشتند در کتابهای درسی باید این ویژگیها وجود داشته باشد:

1. تهیه طرحی متناسب با محتوای کتاب روی جلد کتاب،
 2. استفاده از شکل و تصاویر تا حد امکان برای تفهیم مطالب،
 3. ارائه فهرست مطالب در ابتدای کتاب،
 4. تعیین هدفهای آموزشی در ابتدای فصل،
 5. ارائه ارجاعات مختلف در پاورقی،
 6. ارائه طرح سؤلهایی برای بحث و تحقیق در پایان هر فصل.
- خلخالی (1359) در پژوهشی دیگر به نام «ویژگیهای مطلوب کتاب درسی و اصول و تنظیم و بررسی و ارزشیابی آن» به معیارهای دیگری برای کتابهای درسی مطلوب اشاره دارد:

1. مطالب و فعالیتهای پیشنهادی در کتاب درسی باید براساس برنامه و هدفهای آموزشی معین باشد.
2. توالی مطالب در یک سیر مشخص و با توجه به یادگیریهای قبلی فراگیر باشد.
3. مطالب و فعالیتهای پیشنهادی باید بر انگیزشها و تحریک حس کنجکاوی تأکید بسیاری داشته باشد.
4. پرسشها و تمرینها باید در جهت ارزشیابی قلمروها و سطوح متعدد تفکر انسانی و همچنین ارزیابی ارزشها، نگرشها و مهارتهای علمی باشد.
5. مطالب ارائه شده حتی الامکان با زندگی روزمره و محیط اجتماعی مربوط باشد.
6. مطالب و شیوه‌های ارائه شده باید جدید، پیشرفته و متحول باشد.
7. کتاب درسی به گونه‌ای باشد که پاسخگوی نیازهای گروههای متفاوت مردم در نقاط مختلف کشور باشد.
8. محتوای کتاب باید توجه دانش آموزان را به اهمیت بررسیهای کمی و لزوم دسترسی به دلایل و منابع متعدد جلب کند.

آرمنند (1381، ص 33-23)، در پژوهشی به نام «بررسی کتاب درسی معیار در علوم انسانی»، 106 عنوان کتاب درسی علوم انسانی به زبان انگلیسی را که ناشران معتبر بین سالهای 1998 تا 2001 منتشر کردند، بررسی کرد. در این پژوهش کتابهای درسی در دو

بعد ظاهری و محتوایی برای تعیین معیار تدوین و تألیف کتاب درسی بررسی شدند. مهم‌ترین نتایج این پژوهش بدین شرح است:

1. حروف در سه اندازه کوچک (کوچک‌تر از 10)، متوسط (10 تا 14) و بزرگ (بزرگ‌تر از 14) بررسی شد و مشخص گردید که اندازه حروف در 96/2 درصد موارد متوسط است.

2. از بین حروف (معمولی، کج، پررنگ) بیشترین فراوانی مربوط به حروف معمولی است.

3. اندازه حاشیه در بیشتر کتابها از سمت راست 2 سانتی‌متر، از سمت چپ 1/5 سانتی‌متر، از سمت بالا 2/5 سانتی‌متر و از سمت پایین 2 سانتی‌متر است.

4. در 50 درصد کتابها خلاصه مطالب، در 35 درصد کتابها پرسشهای انتقادی، در 48 درصد آنها پرسشهای مروری و در 24/5 درصد آنها تمرینهایی برای آمادگی آورده شده است.

5. در 80 درصد کتابها پیشگفتار، در 96 درصد آنها فهرست مطالب، در 96 درصد دیگر فهرست راهنما،¹ در 75 درصد آنها شکل، در 53 درصد آنها جدول، در 56 درصد آنها فهرست منابع و در 37 درصد آنها واژه نامه آورده شده است.

نصر و همکاران (1385، ص 71-75) در اثری به نام بررسی میزان تحقق معیارهای تدوین کتابهای درسی در کتابهای دوره کارشناسی علوم تربیتی به ابعاد چهارگانه ظاهری و نگارشی، ساختاری، محتوایی و روان‌شناختی پرداختند. در این پژوهش با مطالعه و بررسی متون تخصصی مربوط به معیارهای مطلوب کتابهای دانشگاهی استخراج شده‌اند. جامعه تحقیق این پژوهش، 20 کتاب درسی است که در رشته‌های مختلف علوم تربیتی به عنوان منبع اصلی تدریس می‌شدند و بین سالهای 1374 تا 1384 منتشر شدند، به شیوه تصادفی انتخاب و معیارهای تدوین کتابهای درسی در آنها به وسیله چک لیست بررسی شده است. مقیاس این چک لیستها در سه بعد ظاهری و نگارشی، محتوایی و روان‌شناختی، سه گزینه‌ای (خوب، متوسط و ضعیف) است و در بعد ساختاری، مقیاس بلی و خیر به کار رفته است. نتایج این پژوهش که لزوم تعیین ویژگیهای کتاب درسی معیار را بیش از پیش آشکار می‌کند، بدین شرح است:

- در 70 درصد کتابها، اندازه و شکل حروف خوب و در 30 درصد آنها متوسط بوده است.
- در 50 درصد موارد بین حروف عنوان، متن و پاورقی تناسب وجود داشته؛ به طوری که در 45 درصد متوسط و در 5 درصد ضعیف بوده است.
- میزان حاشیه صفحات در 10 درصد موارد خوب و در 90 درصد متوسط بوده است.
- از تصاویر، در 10 درصد موارد با کیفیت بالا، در 75 درصد آنها با کیفیت متوسط و در 15 درصد آنها با کیفیت پایین استفاده شده بود.
- طول جمله‌ها در 60 درصد مناسب بوده (از جملات بسیار طولانی یا بسیار کوتاه استفاده نشده بود)، در 35 درصد متوسط و در 5 درصد ضعیف بوده است.
- از قواعد نشانه‌گذاری، در 60 درصد کتابهای بررسی شده به خوبی و در 30 درصد آنها متوسط استفاده شده بود؛ اما در 10 درصد کتابها به نحو مناسب استفاده نشده بود.
- توضیح اصطلاحات تخصصی، در 50 درصد کتابها خوب و در 45 درصد آنها متوسط استفاده شده بود؛ اما در 5 درصد موارد مناسب نبود.
- تمامی کتابهای مورد بررسی، فهرست کلی و تفصیلی داشتند؛ اما در هیچ یک از آنها از فهرست جدولها و نمودارها استفاده نشده بود.
- اهداف کلی فقط در 30 درصد کتابها و اهداف جزئی در 45 درصد کتابها بیان شده بود. همچنین 45 درصد کتابها دارای خلاصه و نتیجه‌گیری بودند.
- در 30 درصد کتابها، از سؤالات و خودآزمایی در پایان فصل استفاده شده بود.
- در 25 درصد کتابها، منابع در پایان فصل و در 70 درصد آنها در بخش پایانی کتاب آمده بود؛ اما در 5 درصد کتابها منابع وجود نداشتند.
- 40 درصد کتابها دارای واژه‌نامه، 15 درصد دارای فهرست موضوعی و 15 درصد دارای فهرست اعلام و اماکن بودند.
- سودمندی در 50 درصد کتابها مناسب و در 15 درصد آنها متوسط بود؛ اما در 35 درصد ضعیف بود.
- در 45 درصد کتابها، از مطالب جدید به خوبی استفاده شده بود و در 35 درصد آنها متوسط و در 30 درصد آنها ضعیف بود.

- در 45 درصد کتابها، مطالب مهم و اصلی به خوبی به کار رفته بود؛ در 35 درصد این ویژگی متوسط و در 20 درصد ضعیف بود.
- در 50 درصد کتابها، مطالب معتبر به خوبی به کار رفته بود، در 20 درصد متوسط و در 30 درصد ضعیف بود.
- مطالب 40 درصد کتابها با پیشرفتهای علمی و فنی تناسب خوبی داشتند و در 20 درصد آنها متوسط و در 40 درصد ضعیف بود.
- 65 درصد کتابها با هدفهای مد نظر هماهنگی خوبی داشتند و در 35 درصد این هماهنگی متوسط بود.
- در 20 درصد کتابها، از نمودارها، تصاویر و شکلها به خوبی استفاده شده است؛ در 60 درصد موارد متوسط و در 10 درصد ضعیف بود.
- در 20 درصد آنها، نکات مهم به وسیله نمودارها، تصاویر و شکلها به خوبی متمایز شده بود و در 60 درصد این ویژگی متوسط و در 10 درصد ضعیف بود.
- در 65 درصد کتابها از مطالب جذاب استفاده شده بود و در 35 درصد آنها این مطالب متوسط بود.
- فقط در 20 درصد از کتابها از پیش سازمان دهنده استفاده شده بود.
- جمالی زواره (1387) در پژوهشی به نام بررسی معیارهای تألیف و تدوین کتابهای درسی مطلوب رشته‌های دانشکده‌های علوم تربیتی و روان‌شناسی در حیطه‌های نگارشی، ساختاری، ظاهری محتوایی و روان‌شناختی از دیدگاه مؤلفان برتر، صاحب‌نظران برنامه درسی و دانشجویان پرداخته است:
- الف) ویژگیهای نگارشی. در قسمت کیفی این پژوهش، مصاحبه‌کنندگان (مؤلفان و صاحب‌نظران برنامه درسی) به ویژگیهای نگارشی این موارد اشاره کردند: در مورد توضیح واژه‌های تخصصی نظرات متفاوتی داشته‌اند؛ عده‌ای معتقد بودند توضیح واژه‌ها یکی از اجزاء کتابهای درسی محسوب می‌شود و در مقابل عده‌ای نیز معتقد بودند توضیح واژه‌ها ذهن فراگیر را دچار رکود می‌کند. در این باره یکی از مصاحبه‌شوندگان معتقد است توضیح اصطلاحات تخصصی می‌تواند وابسته به موقعیت باشد. در مواقعی که هدف به چالش کشیدن ذهن فراگیر است، توضیح واژه‌ها ضرورتی ندارد. بیان اصطلاحات تخصصی مبهم چه بسا ممکن است به احساس نیاز و ایجاد رغبت و انگیزه در رجوع به منابع تکمیلی حتی در حد بازبینی فرهنگها و کتابهای لغت و امثال اینها کمک کند. این خود

می‌تواند اصلی باشد که کتابهای درسی باید علاوه بر اطلاع‌رسانی، سؤال جدید از طریق منبع یادگیری هم ایجاد کنند. همه شرکت‌کنندگان در مصاحبه تأکید داشتند که باید به زبان و ادبیات فارسی و اصول نگارشی در کتاب درسی، به عنوان یک ضرورت، توجه کرد. یکی دیگر از مصاحبه‌کنندگان از اینکه در زمینه اندازه حروف مناسب در کتابهای درسی پژوهش نشده است انتقاد می‌کند و معتقد است باید در مورد نوع طرح و اندازه حروف از دانشجویان نظرخواهی شود. استفاده از اندازه حروف متناسب با مخاطب آن از مواردی است که مصاحبه‌شوندگان بر آن تأکید داشتند.

ب) ویژگیهای ساختاری. یکی از مصاحبه‌کنندگان، ویژگیهای ساختاری کتاب درسی را چنین نام می‌برد: 1) مقدمه، 2) مقدمه در ابتدای هر فصل و 3) مشخص بودن اهداف هر فصل؛ در غیر این صورت، طرح سؤالات و نیز انتظارات یادگیری ضروری است. اگر کتاب درسی دانشگاهی است؛ باید شیوه استفاده از کتاب برای استاد و دانشجو به وسیله راهنمای مطالعه مشخص شود. با توجه به موضوع کتاب درسی باید کتاب دارای نمایه موضوعی، اسامی و اعلام باشد. یکی دیگر از مصاحبه‌کنندگان، ویژگیهای ساختاری کتاب درسی را در دو حیطه ابتدا و انتهای فصل این‌گونه بیان می‌کند: در ابتدای فصل: مقدمه کتاب، روشهای مطالعه و توضیح ساختار کتاب، اهداف آموزشی فصلها و مقدمه هر فصل و در پایان فصل: سؤالات تحلیلی، تمرین و تکلیف، معرفی منابع مکتوب و نشانیهای اینترنتی و خلاصه فصل ارائه شود؛ سرانجام، در پایان و در آخر کتاب نمایه موضوعی آورده شود.

در ادامه، دیگر مصاحبه‌شوندگان به این موارد اشاره کردند: 1) سؤالات در پایان فصل به منظور خودآزمایی دانشجویان و کاوش مستمر مطرح شود؛ 2) منابع لازم در پایان هر فصل به منظور گسترش مطالعه و دانش یادگیرنده ارائه شود و 3) کتابهای درسی علاوه بر پاسخگویی به سؤالات علمی دانشجویان، در ذهن آنان سؤال ایجاد کنند تا نیاز به منابع تکمیلی به وجود آید.

ج) ویژگیهای ظاهری. یکی از مصاحبه‌کنندگان در مورد ویژگیهای ظاهری به ترکیب متن و تصاویر از طریق همکاری گرافیک و مؤلف کتاب درسی به طور مشترک و هم‌زمان تأکید داشته است. یکی دیگر از مصاحبه‌کنندگان اظهار می‌دارد، تصاویر، نقشه‌ها و نمودارها باید به درک مطلب و تسهیل یادگیری کمک کند و در کتابهای درسی باید از رنگ و طرح بیشتر استفاده شود.

د) ویژگیهای محتوایی. مصاحبه‌شوندگان در مورد ویژگیهای محتوایی به این موارد اشاره کرده‌اند: 1) کتاب درسی دارای ساختار منظم در ارائه اصول و مفاهیم و قوانین و روش علمی باشد؛ 2) نظم و انضباط منطقی در مطالب بیشتر رعایت شود؛ 3) در نگارش و سازمان‌دهی مطالب به اصول یادگیری بیشتر توجه شود، و 4) مصاحبه‌شوندگان به روند منطقی طراحی فصلها و صفحات کتاب توجه کنند.

ه) ویژگیهای روان‌شناختی. در انتخاب مطالب به ویژگیهای روان‌شناختی ذیل چنین اشاره شده است: 1) قابل فهم بودن؛ 2) به‌روز بودن از نظر علمی؛ 3) مستند و مستدل و مفید و مختصر بودن مطالب؛ 4) کاربردی بودن؛ 5) مغایرت نداشتن با ارزشها و مبانی فرهنگی و نیازهای جامعه و 6) مغایرت نداشتن با اصول و مفاهیم علمی آن حوزه دانش، و تقویت علاقه و کنجکاوی دانشجویان در تدوین مطالب با استفاده از روشهای مختلف.

در ادامه این پژوهش، به برخی از نتایج به دست آمده از سؤالات چند گزینه‌ای حاصل از نظر سنجی دانشجویان اشاره می‌شود:

- فاصله مناسب بین سطرها در کتاب درسی 1 سانتی‌متر باشد؛
- اندازه مناسب حروف برای متن کتاب درسی 12-13 سانتی‌متر باشد؛
- اندازه مناسب حروف برای عنوانهای اصلی 16-18 سانتی‌متر باشد؛
- بهترین شیوه تفکیک پاورقی از سایر عناصر متن استفاده از خط جدا کننده است؛
- کتاب بهترین مکان برای معادل‌نویسی لغات بیگانه در پاورقی است؛
- بهترین شکل ارجاع‌دهی در پاورقی است؛
- کتابهای درسی باید به زبان علمی (معیار) نوشته شوند؛
- بهترین مکان برای درج تعریف اصطلاحات فنی و تخصصی پایان فصل است؛
- در تدوین مطالب، دانش تخصصی و نیازهای دانشجویان اولویت دارد؛
- نتایج یادگیری هر فصل به صورت اهداف رفتاری باشد؛
- مناسب‌ترین محل درج سؤالات چالش‌انگیز، داخل متن و اول فصل است؛
- سطح خوانایی (سهولت و دشواری مطالب) در کتابهای درسی متناسب با سطح مخاطب باشد؛

- بهترین روش برای مشخص کردن نکات مهم و اصلی استفاده از حروف پررنگ و کادر پررنگ است.

هارتلی (Hartley, 2004, pp.938-939) ضمن ارائه مقاله‌ای مفصل، اصول طراحی متون

را به لحاظ ویژگی ظاهری و نگارشی و در قالب ویژگی‌هایی مانند حاشیه، اندازه حروف، قطع کتاب، نوع حروف، دشواری و طول جملات بررسی کرده، به طوری که معتقد است:

- حداقل حاشیه در بالا و پایین 1 سانتی‌متر و راست و چپ 2/5 سانتی‌متر است.
- اندازه حروف مورد استفاده در کتابهای درسی بین 10 تا 12 است.
- نوع قلم مورد استفاده باید براساس تجربه‌های طراح و مورد پسند مخاطب باشد.
- استفاده منطقی از فضای سفید می‌تواند به وضوح متن کتاب بیفزاید.
- استفاده از عنوانهای مناسب می‌تواند به تمرکز توجه خواننده و یادآوری سریع و دقیق کمک کند.

در جای دیگر، هارتلی (Hartly, 2005, p. 345) به نقش آموزشی تصاویر در کتابهای درسی اشاره می‌کند؛ به طوری که بالغ بر 40 بررسی در زمینه سه نوع متون آموزشی صورت گرفت. این سه نوع متون آموزشی عبارت بود از: 1) متونی که فقط در قالب متن ارائه شدند؛ 2) متونی که فقط از تصاویر برای ارائه مطالب استفاده کردند و 3) متونی که اطلاعات را هم از طریق متن و هم از طریق تصاویر به صورت ترکیبی ارائه کردند. نتایج این بررسی نشان داد که فراگیران در بازیابی اطلاعات متونی که به صورت ترکیبی و در قالب تصاویر و متن ارائه شده بود، موفقیت بیشتری داشتند.

در پژوهشی که بارتلت و مورگان (Bartlett & Morgan, 1991, pp. 16-18) انجام دادند، برای تعیین معیارهای کتاب درسی مطلوب و تهیه چک لیست ارزشیابی کتاب درسی مصاحبه‌ای با 15 دانشجو و 33 عضو هیئت علمی انجام شد. استادان و دانشجویان شرکت کننده در این مصاحبه، معیارهای بسیار مشابهی را برای یک کتاب درسی خوب داشتند. استادان اظهار داشتند زمانی که بخواهیم از بین دو کتاب با ویژگیهای مشابه هم یکی را انتخاب کنیم، کتابی را برمی‌گزینیم که با مواد تکمیلی همراه است. همچنین آنان از کتابهایی که دارای تعداد زیادی اشتباه، هم در مفاهیم و هم در جواب سؤاها هستند، بی‌زارند و معتقدند مؤلفان باید جامعه مخاطب خود و سطح خاص دانشجویان را در نظر بگیرند. دانشجویان اظهار کردند کتابی را می‌پسندند که به زبان ساده و عملی نوشته شود. اغلب آنان ارائه یک مقدمه و خلاصه خوب در ابتدای هر فصل را لازم دانستند و انتظار داشتند در موضوعاتی که نیاز به تمرین مفاهیم وجود دارد، بعد از هر مفهوم جدید، تمریناتی ارائه شود. دانشجویان همچنین اظهار داشتند که از تصاویر، نمودارها، جدولها و

نقشه‌ها مطالب زیادی فرا می‌گیرند و باید تعریفی برای لغت‌های مرتبط با درس، که برای اولین بار در کتاب به کار می‌روند، ارائه شود. همچنین کتاب باید دارای یک واژه‌نامه مناسب باشد، زیرا واژه‌نامه در کتاب درسی بسیار مهم است. آنان همچنین برای کتابهایی که لغت‌های جدید آن در پانویس صفحه‌ای که برای اولین بار به کار رفته است، ارزش قائل‌اند.

در زمینه حرکت چشم در هنگام خواندن، تحقیقات نشان می‌دهد که نشانه‌گذاری بصری از طریق فاصله‌گذاری برای درک متن حائز اهمیت است (Fisher, 1976). یافته‌های پژوهشی حاکی است که آغاز یک سطر اثر معینی بر تثبیت حرکت چشم دارد و آغاز خواندن سطرهای غیر معمول متون کتاب درسی (نظیر متون شعری) «پس‌گردهای» متعددی را نسبت به یک متن عادی ایجاد می‌کند (Carpenter & Just, 1997).

در یک بررسی بر روی کتابهای درسی سطوح مختلف در موزمبیک به وسیله سیدا¹ در سال 1996 مشخص شده است که این کتابها براساس برنامه درسی پایه تدوین شده‌اند، با این حال بسیار فنی‌اند و در پیوند میان تجارب فرد و اهداف فراگیر اشدکالانی دارند (به نقل: از Montagnes, 2002, p. 22).

از مجموع این مباحث می‌توان نتیجه گرفت که: تألیف کتاب درسی امر بسیار اساسی، علمی و چند بعدی است؛ به همین دلیل، طراحی و تألیف کتاب به چند عامل بستگی دارد:

1. بدون طراحی و برنامه‌ریزی دقیق نمی‌توان دست به تألیف زد؛ همین ویژگی است که ماهیت کتاب درسی را از سایر کتابها متمایز می‌سازد.
2. در فرایند طراحی و تألیف باید از متخصصان حوزه‌های مختلف بهره جست؛ فقدان هر کدام از تخصصهای مورد نیاز و بی‌توجهی به آنها سبب کاستی و نقص در متن کتاب می‌شود.
3. تألیف کتاب درسی کاری جمعی است.
4. ویژگیهایی مانند ارزشمند بودن، سازمان مطلوب داشتن، انسجام، فعال بودن، زیبا بودن، حجم مناسب محتوا، انعطاف‌پذیری و نگرش مناسب اهمیت زیادی در طراحی و تألیف کتاب درسی دارند. برای تحقق هر کدام از ویژگیهای مزبور باید روشها و فنونی به

کار گرفت که به مهارت‌های ویژه و تجارب غنی نیاز دارد (ملکی، 1384).
 بنابراین، به دلیل اهمیت کتابهای درسی در آموزش و یادگیری و دستیابی به نتایج مطلوب در آموزش و افزایش کارایی و اثر بخشی آن، لازم است کتابهای درسی موجود با استفاده از شیوه‌های درست، نقد و ارزیابی شوند و برای تقویت نقاط قوت و بر طرف کردن نقاط ضعف، تلاشهای مؤثر و نتیجه بخشی صورت گیرد (رضی، 1385).

اهداف ویژه‌ای که در این پژوهش دنبال می‌کنیم بدین شرح است:

- شناسایی راهبردهای کمکی برای مفاهیم مشکل یا واژگان علمی. منظور از این هدف، بررسی شیوه چاپ مفاهیم مشکل یا واژگان علمی، تعریف اصطلاحات فنی در متن کتاب، وجود واژه‌نامه در انتهای کتاب و استفاده از پانویس برای معادل‌نویسی لغات بیگانه در کتابهای درسی دانشگاهی است.

- بررسی راهبردهای آموزشی در هر یک از فصلها. منظور از این هدف، استفاده از فهرست مطالب، فهرست تفصیلی مطالب، فهرست جداول و شکلها و راهنمای مطالعه در ابتدای کتابهای درسی، خلاصه یا مقدمه و هدفهای آموزشی در ابتدای هر فصل، پرسش یا سؤال برای یادگیری بهتر مطالب در متن کتابهای درسی و سرانجام، فهرست اعلام، اماکن، اسامی و اشخاص در پایان کتابهای درسی است.

- بررسی ساختار چاپی هر یک از فصلها (سازمان‌دهی). منظور از این هدف، شیوه چاپ عناوین اصلی و فرعی در هر فصل، طول مناسب جملات و پاراگرافها در متن، رعایت نشانه گذاریها و فاصله گذاریهای مناسب بین کلمات، سطرها و بندها، اندازه حروف، حاشیه مناسب برای یادداشت‌برداری، و استفاده از سبک نگارشی متناسب با مخاطب در کتابهای درسی است.

- بررسی مواد تصویری مورد استفاده و میزان اثر بخشی آن. منظور از این مورد، استفاده از عکسها و اشکال تصویری، جدولها، نمودارها و دیگر شکل‌های هندسی، کیفیت تصاویر، نزدیک بودن مواد تصویری به متن موردنظر، گویا بودن عناوین مواد تصویری، نوشتن عنوان جدولها در بالای آن و عنوان نمودارها در پایین آن در کتابهای درسی است.

- شناسایی تمهیدات خودارزیابی برای فراگیران. منظور، سؤالات پایانی هر فصل

جهت آزمون میزان فهم مطالب فراگیران در کتابهای درسی است.

- بررسی روشهای پیگیری مطالب. منظور از روشهای پیگیری مطالب ارائه پیشنهادات

یا نکات اضافی، فعالیتهای تکمیلی، معرفی منابع بیشتر برای مطالعه در پایان هر فصل و معرفی سایت یا نشانیهای اینترنتی و سی دی مربوط به کتاب و ارائه پرسش نامه نظرخواهی در پایان کتابهای درسی است.

- ارائه طرحی آگاهانه و روشن از سوی مؤلف و پیروی خواننده از آن (روشن بودن منظور مؤلف). روشن بودن منظور مؤلف یعنی در نظر گرفتن راهنمای مطالعه و نکاتی برای مدرسان و دانشجویان در ابتدای کتاب، طراحی فصلها و صفحات کتاب، و تناسب حجم اصلی اطلاعات با حجم مطالب تکمیلی در کتابهای درسی است.

- بررسی سایر ویژگیهای جامعه‌شناختی و روان‌شناختی کتاب درسی (روان اجتماعی). منظور از این هدف، مستدل بودن، جذاب بودن و به روز بودن مطالب، مد نظر قرار دادن مفاهیم اصلی دانش مورد نظر، انطباق مطالب با ویژگیهای فرهنگی و نیازهای حال و آینده جامعه، تناسب موضوعات ارائه شده با نیازهای بازار کار دانش‌آموختگان و توجه به پرورش مهارت‌های خلاقیت و تفکر در کتابهای درسی است.

از آنجا که معیارهای جامعی در ارزیابی کتابهای درسی دانشگاهی وجود ندارد، هدف پژوهش حاضر ارزیابی کتابهای درسی دانشگاهی است تا که حتی الامکان بتواند اهداف این پژوهش را دربر گیرد. بنابراین، این پژوهش کتابهای درسی علوم انسانی دانشگاهها را براساس شاخصهای مطلوب کتابهای درسی دانشگاهی ارزیابی می‌کند.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع کاربردی است. هدف پژوهشگران از انجام دادن پژوهشهای کاربردی دستیابی به اصول و قواعدی است که در زمینه واقعی کاربرد داشته باشد. پژوهشهای کاربردی این امکان را فراهم می‌نماید تا بتوان مسائل مورد مطالعه را به صورت واقعی عملی بررسی کرد. با توجه به اینکه هدف این پژوهش، ارزیابی کتاب درسی دانشگاهی در حوزه علوم انسانی است، از روش توصیفی - پیمایشی استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش کلیه کتابهای درسی و تألیفی رشته‌های علوم انسانی انتشارات سه دانشگاه اصفهان، علوم پزشکی اصفهان و دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان است که در سالهای 1387 و 1388 به چاپ رسیده‌اند. به عبارتی، کتابهای مورد بررسی در این پژوهش دارای این ویژگیها هستند: 1) کتابهای درسی دانشگاهی باشند، 2) به زبان فارسی باشند، 3) تألیفی

باشند نه ترجمه‌ای، 4) بیشتر از 100 صفحه باشند، 5) در قطع وزیری باشند، 6) در سالهای 1387 و 1388 به چاپ رسیده باشند و 7) از سه دانشگاه مذکور منتشر شده باشند؛ در مجموع 21 کتاب کل جامعه آماری پژوهش را تشکیل می‌دهند.

به منظور ارزشیابی کتابهای درسی دانشگاهی، از چک‌لیست محقق ساخته برای بررسی نقاط قوت و ضعف و جایگاه کتاب درسی در سه دانشگاه مورد نظر به صورت سؤالات بلی - خیر استفاده شده است. با توجه به جدول 1 برای هشت مؤلفه پژوهش، 50 سؤال در نظر گرفته شده است.

جدول 1 تناظر هر یک از مؤلفه‌های چک‌لیست با سؤالات پژوهش

| سؤالات پژوهش | مؤلفه‌های پژوهش |
|--------------|---|
| 4-1 | 1. راهبردهای کمکی برای مفاهیم مشکل و واژگان علمی |
| 14-5 | 2. استفاده از راهبردهای آموزشی |
| 23-15 | 3. سازمان‌دهی چاپ کتاب |
| 30-24 | 4. ارائه مواد تصویری و میزان اثربخشی آنها |
| 32-31 | 5. تمهیدات خودارزیابی فراگیران |
| 36-33 | 6. روشهای پیگیری مطالب |
| 41-37 | 7. روشن بودن منظور مؤلف |
| 50-42 | 8. سایر ویژگیهای جامعه‌شناختی و روان‌شناختی کتابهای درسی (روان اجتماعی) |

برای جمع‌آوری اطلاعات، ابتدا لیست کتابهای منتشر شده در سالهای 1387 و 1388 دفتر انتشارات سه دانشگاه (اصفهان، علوم پزشکی اصفهان و دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان) تهیه و براساس ویژگیهای جامعه آماری انتخاب شدند. پس از انتخاب جامعه آماری پژوهش (21 کتاب) چک‌لیست نهایی برای ارزشیابی کتابها در اختیار سه داور (دو کارشناس نشر علمی کتابهای درسی دانشگاهی و یک پژوهشگر) قرار گرفت؛ در نتیجه، هر کتاب را سه داور ارزیابی کردند.

پژوهشگر برای تهیه چک‌لیست نهایی ارزشیابی کتاب درسی دانشگاهی، هشت قسمت مهم کتابهای درسی (مؤلفه‌های پژوهش) را در نظر گرفت و با بررسی چک‌لیستهای دیگر و همچنین بررسی متون تخصصی مربوط به ویژگیهای کتاب درسی

مطلوب دانشگاهی، سؤالات هر قسمت را مشخص کرد. این چک‌لیست پس از ویرایش علمی و ادبی به وسیله پژوهشگر و استادان راهنما و مشاور و کارشناسان نشر علمی برای ارزیابی کتابهای درسی دانشگاهی استفاده شد. در این پژوهش در سطح آمار توصیفی از فراوانی و میانگین درصدی به منظور توصیف واقعیت‌های جمع‌آوری شده استفاده شد و در سطح آمار استنباطی آزمون دو جمله‌ای به کار رفت تا برخورداری جامعه آماری مورد نظر از یک ویژگی یا متغیر مشخص تعیین شود. به عبارت دیگر، برای آنکه بودن یا نبودن یک متغیر در جامعه آماری تعیین شود، این آزمون به کار می‌رود. به منظور بررسی میزان توافق بین سه داور در خصوص ارزیابی کتابهای مورد بررسی در این پژوهش از ضریب توافق کندال استفاده شده است؛ این ضریب برابر با 0/84 است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

سؤال اول پژوهش: چه راهبردهای کمکی برای مفاهیم مشکل یا واژگان علمی فراهم شده است؟

جدول 2 نظرات داوران در خصوص راهبردهای کمکی برای مفاهیم مشکل و واژگان علمی

| p | خیر | | بلی | | سؤالات |
|-------|-------|------|-------|------|---|
| | تعداد | درصد | تعداد | درصد | |
| 1 | 50/8 | 32 | 49/2 | 31 | 1. آیا از فرم ایرانیک یا پر رنگ یا زیر خط‌دار برای مفاهیم مشکل استفاده شده است؟ |
| 0/001 | 17/5 | 11 | 82/5 | 52 | 2. آیا مفاهیم جدید و اصطلاحات فنی در متن کتاب تعریف شده است؟ |
| 0/001 | 81 | 51 | 19 | 12 | 3. آیا در انتهای کتاب اصطلاحات فنی و تخصصی فهرست‌بندی شده در واژه‌نامه وجود دارد؟ |
| 0/002 | 25/8 | 16 | 74/2 | 46 | 4. آیا از نوشتن پانویس برای معادل‌نویسی لغات بیگانه استفاده شده است؟ |
| | 43/8 | - | 56/2 | - | میانگین درصدی |

نتایج جدول 2 نشان می‌دهد که بیشترین درصد (82/5 درصد) راهبردهای کمکی برای مفاهیم مشکل و واژگان علمی به سؤال 2 مربوط می‌شود و کمترین درصد (19 درصد) به سؤال 3 مربوط می‌شود. نیز میانگین درصدی نشان می‌دهد که 56/2 درصد از

راهبردهای کمکی برای مفاهیم مشکل و واژگان علمی استفاده شده است و در 43/8 درصد موارد استفاده نشده است. تفاوت نسبت بین پاسخهای بلی و خیر در سطح $P \leq 0/05$ در سؤالهای 2، 3 و 4 معنادار بوده و در سؤال 1 معنادار نبوده است. بنابراین، بین پاسخهای بلی و خیر در سؤالهای 2، 3 و 4 تفاوت وجود دارد.

سؤال دوم پژوهش: چه نوع کمکهای آموزشی در هر یک از فصلها فراهم شده است؟

جدول 3 نظرات داوران درخصوص استفاده از راهبردهای آموزشی

| سؤالات | بلی | | خیر | | P |
|---|-------|------|-------|------|-------|
| | تعداد | درصد | تعداد | درصد | |
| 1. آیا در ابتدای هر فصل مرور یا خلاصه‌ای وجود دارد؟ (پیش‌سازمان دهنده) | 19 | 30/2 | 44 | 69/8 | 0/450 |
| 2. آیا در پایان هر فصل جمع بندی مطالب بحث شده آمده است؟ | 28 | 44/4 | 35 | 55/6 | 0/023 |
| 3. آیا هدفهای آموزشی در ابتدای هر فصل تدوین شده است؟ | 22 | 34/9 | 41 | 65/1 | 0/001 |
| 4. آیا در متن کتاب سؤالاتی برای نشان دادن قسمتهای مهم مطالب و یادگیری بهتر قرار داده شده است؟ | 9 | 14/3 | 54 | 85/7 | 0/130 |
| 5. آیا مؤلف اهمیت مواد آموزشی را با استفاده از راهبردهای آموزشی به خواننده نشان می‌دهد؟ | 38 | 60/3 | 25 | 39/7 | 0/011 |
| 6. آیا در ابتدای کتاب، فهرست کلی مطالب موجود است؟ | 42 | 66/7 | 21 | 33/3 | 0/001 |
| 7. آیا در ابتدای کتاب، فهرست تفصیلی مطالب موجود است؟ | 63 | 100 | - | - | 0/001 |
| 8. آیا در ابتدای کتاب، فهرست جداول و شکل‌ها موجود است؟ | 1 | 1/6 | 62 | 98/4 | 0/001 |
| 9. آیا در ابتدای کتاب، راهنمای مطالعه تهیه شده است؟ | 8 | 12/7 | 55 | 87/3 | 0/001 |
| 10. آیا فهرست اسامی، اعلام یا اماکن یا اشخاص در پایان کتاب وجود دارد؟ | 18 | 28/6 | 45 | 71/4 | 0/001 |
| میانگین درصدی | - | 39/4 | - | 60/6 | |

نتایج جدول 3 نشان می‌دهد که بیشترین درصد (100 درصد) استفاده از راهبردهای آموزشی به سؤال 7 مربوط است و کمترین آن (1/6 درصد) به سؤال 8 مربوط است.

میانگین درصدی نیز نشان می‌دهد که تنها 39/4 درصد موارد از راهبردهای آموزشی استفاده شده است و در 60/6 درصد استفاده نشده است. تفاوت نسبت بین پاسخهای بلی و خیر در سطح $P \leq 0/05$ در سؤالات 2، 3 و 5 تا 10 معنادار بوده و در سؤالهای 1 و 4 معنادار نبوده است. بنابراین، پاسخهای بلی و خیر در سؤالات 2، 3 و 5 تا 1 تفاوت وجود دارد.

سؤال سوم پژوهش: ساختار چاپی هریک از فصلها چگونه است؟

جدول 4 نظرات داوران در خصوص سازماندهی کتاب

| p | سؤالات | | بلی | | خیر | |
|-------|--------|------|-------|------|-------|------|
| | تعداد | درصد | تعداد | درصد | تعداد | درصد |
| 0/002 | 30/2 | 19 | 69/8 | 44 | 30/2 | 19 |
| 0/001 | 17/5 | 11 | 82/5 | 52 | 17/5 | 11 |
| 0/011 | 33/3 | 21 | 66/7 | 42 | 33/3 | 21 |
| 0/001 | 27/0 | 17 | 73 | 46 | 27/0 | 17 |
| 0/001 | 9/5 | 6 | 90/5 | 57 | 9/5 | 6 |
| 0/001 | 14/3 | 9 | 85/7 | 54 | 14/3 | 9 |
| 0/011 | 33/3 | 21 | 66/7 | 42 | 33/3 | 21 |
| 0/011 | 7/9 | 5 | 92/1 | 58 | 7/9 | 5 |
| 0/001 | 27/0 | 17 | 73 | 46 | 27/0 | 17 |
| - | 22/2 | - | 77/8 | - | 22/2 | - |

نتایج جدول 4 نشان می‌دهد که بیشترین درصد (92/1 درصد) سازماندهی کتب به سؤال 8 مربوط می‌شود و کمترین درصد (66/7 درصد) به سؤال 3 و 7 مربوط است. میانگین درصدی نشان داد که در 77/8 درصد موارد سازماندهی کتب رعایت شده و در

22/2 درصد رعایت نشده است. تفاوت نسبت بین پاسخهای بلی و خیر در سطح $P \leq 0/05$ در سؤالهای 1 تا 9 معنادار بوده است. بنابراین، بین پاسخهای بلی و خیر در این سؤالات تفاوت وجود دارد.

سؤال چهارم پژوهش: چه نوع مواد تصویری به کار رفته است و آیا این مواد به صورت اثربخشی ارائه شده‌اند؟

جدول 5 نظرات داوران در خصوص ارائه مواد تصویری و میزان اثربخشی آنها

| p | سؤالات | | بلی | | خیر | |
|--|--------|------|-------|------|-------|------|
| | تعداد | درصد | تعداد | درصد | تعداد | درصد |
| 0/001 | 28/6 | 18 | 71/4 | 45 | 28/6 | 18 |
| 1. آیا مؤلف برای حفظ جذابیت متن از مواد متنوع (نظیر نمودارها، نقشه‌های اطلاعاتی، الگوریتمها و ...) استفاده کرده است؟ | | | | | | |
| 0/001 | 28/6 | 18 | 71/4 | 45 | 28/6 | 18 |
| 2. آیا مواد تصویری مورد استفاده (نمودارها، اشکال هندسی، عکسها و ...) به متن کتاب مربوط هستند؟ | | | | | | |
| 0/002 | 30/2 | 19 | 69/8 | 44 | 30/2 | 19 |
| 3. آیا تصاویر اطلاعات با اهمیت را برای فهمیدن بهتر متن فراهم می‌کنند؟ | | | | | | |
| 0/043 | 36/5 | 23 | 63/5 | 40 | 36/5 | 23 |
| 4. آیا عناوین مواد تصویری، روشن و بیانگر موضوع خود هستند؟ | | | | | | |
| 0/002 | 30/2 | 19 | 69/8 | 44 | 30/2 | 19 |
| 5. آیا مواد تصویری در محلی نزدیک به متن مربوط قرار گرفته‌اند؟ | | | | | | |
| 0/207 | 58/7 | 37 | 41/3 | 26 | 58/7 | 37 |
| 6. آیا عنوان جدول در بالای جدول و عنوان اشکال و نمودارها در پایین آن نوشته شده است؟ | | | | | | |
| 0/207 | 41/3 | 26 | 58/7 | 37 | 41/3 | 26 |
| 7. آیا تصاویر از کیفیت مناسب برخوردارند؟ | | | | | | |
| | | | 63/7 | - | 36/3 | - |
| میانگین درصدی | | | | | | |

نتایج جدول 5 نشان می‌دهد که بیشترین درصد (71/4 درصد) ارائه مواد تصویری و میزان تناسب آنها به سؤال 1 و 2 مربوط است و کمترین درصد (58/7 درصد) به سؤال 6 مربوط است. میانگین درصدی نیز نشان می‌دهد که در 63/7 درصد موارد ارائه مواد تصویری و میزان اثربخشی آنها متناسب است. تفاوت نسبت بین پاسخهای بلی و خیر در سطح $P \leq 0/05$ در سؤالهای 1 تا 5 معنادار بوده و در سؤالهای 6 و 7 معنادار نبوده است. بنابراین، بین پاسخهای بلی و خیر در سؤالات 1 تا 7 تفاوت وجود دارد.

نتایج جدول 7 نشان می‌دهد که بیشترین درصد (7/9 درصد) روشهای پیگیری به سؤال 2 مربوط است و کمترین درصد (هیچ درصد) به سؤال 3 مربوط است. میانگین درصدی نشان داد که فقط در 4/7 درصد کتابهای درسی از روشهای پیگیری استفاده شده است و در 95/3 درصد مواد روشهای پیگیری در نظر گرفته نشده است.

تفاوت نسبت بین پاسخهای بلی و خیر در سطح $P \leq 0/05$ در سؤالهای 1 تا 4 معنادار بوده است؛ بنابراین، بین پاسخهای بلی و خیر در این سؤالات تفاوت وجود دارد. سؤال هفتم پژوهش: آیا طرحی آگاهانه و روشن از سوی مؤلف برای پیروی خواننده از آن ارائه شده است؟ (روشن بودن منظور مؤلف)

جدول 8 نظرات داوران در خصوص روشن بودن منظور مؤلف

| p | بلی | | خیر | | سؤالات |
|-------|-------|------|-------|------|---|
| | تعداد | درصد | تعداد | درصد | |
| 0/001 | 58 | 7/9 | 5 | 92/1 | 1. آیا مؤلف در ابتدای کتاب با استفاده از راهنمای مطالعه، چگونگی مطالعه کتاب را بیان می‌کند؟ |
| 0/002 | 17 | 73/0 | 46 | 27/0 | 2. آیا طراحی فصلها و صفحات کتاب دارای روند منطقی و ثبات است؟ |
| 0/011 | 22 | 65/1 | 41 | 34/9 | 3. آیا در ارائه مطالب، حجم اصلی اطلاعات با حجم مطالب تکمیلی تناسب دارد؟ |
| 0/001 | 58 | 7/9 | 5 | 92/1 | 4. آیا در ابتدای کتاب نکاتی برای مدرسان ارائه شده است؟ |
| /001 | 58 | 7/9 | 5 | 92/1 | 5. آیا در ابتدای کتاب نکاتی برای دانشجویان ارائه شده است؟ |
| | 32/4 | - | 67/6 | - | میانگین درصدی |

نتایج جدول 8 نشان می‌دهد که بیشترین درصد (73 درصد) روشن بودن منظور مؤلف به سؤال 2 و کمترین درصد (7/9 درصد) به سؤال 1، 4 و 5 مربوط است. میانگین درصدی نشان داد که در 32/4 درصد موارد منظور مؤلف روشن بوده و در 67/6 درصد چنین نبوده است. تفاوت نسبت بین پاسخهای بلی و خیر در سطح $P \leq 0/05$ در سؤالهای 1 تا 5 معنادار بوده است؛ بنابراین، بین پاسخهای بلی و خیر در این سؤالات تفاوت وجود دارد.

سؤال هشتم پژوهش: ویژگیهای جامعه‌شناسی و روان‌شناسی (روان اجتماعی) در کتاب درسی چگونه است؟

جدول 9 نظرات داوران در خصوص ویژگیهای جامعه‌شناختی و روان‌شناختی (روان اجتماعی)

| p | خیر | | بلی | | سؤالات |
|-------|-------|------|-------|------|---|
| | تعداد | درصد | تعداد | درصد | |
| 0/001 | 7/9 | 5 | 92/1 | 58 | 1. آیا از مطالب مستدل و مستند استفاده شده است؟ |
| 0/001 | 3/2 | 2 | 96/8 | 61 | 2. آیا مفاهیم اصلی و کلیدی دانش را مد نظر داشته است؟ |
| 0/001 | 3/2 | 2 | 96/8 | 61 | 3. آیا مطالب برای فراگیر متنوع و جذاب است؟ |
| 0/043 | 36/5 | 23 | 63/5 | 40 | 4. آیا مطالب ارائه شده به روز است و آخرین اطلاعات در زمینه موضوع درس است؟ |
| 0/001 | 3/2 | 2 | 96/8 | 61 | 5. آیا جامعیت کتاب با توجه به اهداف کلی و سر فصلهای درس مورد نظر رعایت شده است؟ |
| 0/001 | 3/2 | 2 | 96/8 | 61 | 6. آیا مطالب ارائه شده با ویژگیهای فرهنگی جامعه انطباق دارد؟ |
| /001 | 7/9 | 5 | 92/1 | 58 | 7. آیا مطالب ارائه شده با نیازهای حال و آینده جامعه تناسب دارد؟ |
| 0/001 | 7/9 | 5 | 92/1 | 58 | 8. آیا مطالب و موضوعات ارائه شده با نیازهای بازار کار دانش‌آموختگان آن تناسب دارد؟ |
| 0/001 | 19 | 12 | 81 | 51 | 9. آیا در ارائه مطالب به پرورش مهارتهای خلاقیت و نوآوری و گسترش مهارتهای تفکر در فراگیران توجه شده است؟ |
| | 10/2 | - | 89/8 | - | میانگین درصدی |

نتایج جدول 9 نشان می‌دهد که بیشترین درصد (96/8 درصد) ویژگیهای جامعه‌شناختی و روان‌شناختی به سؤالات 2، 3، 5 و 6 مربوط است و کمترین درصد (63/5 درصد) به سؤال 4 مربوط است. میانگین درصدی نشان داد که در 89/8 درصد موارد به ویژگیهای جامعه‌شناختی و روان‌شناختی توجه شده و در 10/2 درصد توجه نشده است. تفاوت نسبت بین پاسخهای بلی و خیر در سطح $P \leq 0/05$ در سؤالات 1 تا 9 معنادار بوده است؛ بنابراین، بین پاسخهای بلی و خیر در این سؤالات تفاوت وجود دارد.

نتیجه گیری

با توجه به تجزیه و تحلیل داده‌ها و سؤالات پژوهش و مقایسه آنها با پژوهشهای قبل به نتایج ذیل دست می‌یابیم:

1. تجزیه و تحلیل یافته‌های مربوط به راهبردهای کمکی برای مفاهیم مشکل و واژگان علمی (سؤال اول پژوهش) براساس جدول 2 نشان داد که این پژوهش با پژوهشهای بارتلت و مورگان (Bartlett & Morgan, 1991)، جمالی زواره (1387)، آرمند و همکاران (1376) و نصر و همکاران (1385) همخوانی دارد.
2. تجزیه و تحلیل یافته‌های مربوط به استفاده از راهبردهای آموزشی (سؤال دوم پژوهش) براساس جدول 3 نشان داد که این پژوهش با پژوهشهای جمالی زواره (1387)، آرمند و همکاران (1376)، آرمند (1381)، نصر و همکاران (1385) و همچنین بارتلت و مورگان (Bartlett & Morgan, 1991) همسویی دارد.
3. تجزیه و تحلیل یافته‌های مربوط به سازمان‌دهی (سؤال سوم پژوهش) براساس جدول 4 نشان داد که این پژوهش با پژوهشهای جمالی زواره (1387)، هارتلی (Hartly, 2004)، بارتلت و مورگان (Bartlett & Morgan, 1970)، آرمند و همکاران (1376)، آرمند (1381)، نصر و همکاران (1385)، فیشر (Fisher, 1976)، کارپنتر و جاست (Carpenter & Just, 1997) و مونتگنس (Montagnes, 2002) همخوانی دارد.
4. تجزیه و تحلیل یافته‌های مربوط به ارائه مواد تصویری و میزان اثربخشی آنها (سؤال چهارم پژوهش) براساس جدول 5 نشان داد که این پژوهش با پژوهشهای هارتلی (Hartley, 2005)، نوگاوا و هاتوا (Nagava & Huttova, 2006)، جمالی زواره (1387)، بارتلت و مورگان (Bartlett & Morgan, 1991)، آرمند و همکاران (1376)، همخوانی دارد؛ اما با پژوهش نصر و همکاران (1385) همخوانی ندارد.
5. تجزیه و تحلیل یافته‌های مربوط به تمهیداتی برای خود ارزیابی فراگیران (سؤال پنجم پژوهش) براساس جدول 6 نشان داد که این پژوهش با پژوهشهای جمالی زواره (1387)، آرمند و همکاران (1376)، خلخالی (1359)، آرمند (1381)، نصر و همکاران (1385) و بارتلت و مورگان (Bartlett & Morgan, 1991) همخوانی دارد.
6. تجزیه و تحلیل یافته‌های مربوط به روشهای پیگیری مطالب (سؤال ششم پژوهشی) براساس جدول 7 نشان داد که این پژوهش با پژوهش جمالی زواره (1387) و نظرات خلخالی (1359) همخوان است؛ اما با پژوهشهای آرمند و همکاران (1376) و نصر و همکاران (1385) همخوانی ندارد.

7. تجزیه و تحلیل یافته‌های مربوط به روشن بودن منظور مؤلف (سؤال هفتم پژوهش) براساس جدول 8 نشان داد که این پژوهش با پژوهشهای جمالی زواره (1387) و نظرات خلخالی (1359) همخوانی دارد. در پژوهش جمالی زواره (1387) دانشجویان بر تقسیم مطالب به بخشهای کوچک برای سازمان‌دهی بهتر متن و طراحی فصلها تأکید کردند. در قسمت کیفی این پژوهش، مصاحبه‌شوندگان به این موارد اشاره کردند: کتاب درسی دارای ساختار منظم در ارائه اصول و مفاهیم و قوانین و روش علمی باشد؛ نظم و انضباط منطقی در مطالب بیشتر رعایت شود؛ در نگارش و سازمان‌دهی مطالب به اصول یادگیری بیشتر توجه شود و مصاحبه‌شوندگان به روند منطقی طراحی فصلها و صفحات کتاب توجه کنند.

8. تجزیه و تحلیل یافته‌های مربوط به سایر ویژگیهای جامعه‌شناختی و روان‌شناختی (روان اجتماعی) (سؤال هشتم پژوهش) براساس جدول 9 نشان داد که این پژوهش با پژوهشهای جمالی زواره (1387)، نصر و همکاران (1385) و نظرات خلخالی (1359) همخوانی دارد. نیز نتایج این پژوهش نشان داد که بیشتر کتابهای مورد بررسی در این پژوهش به دلیل ناآشنایی مؤلفان و مدرسان دانشگاه با شاخصهای مطلوب کتابهای درسی، براساس سلیقه نویسنده‌گان و بدون توجه به شاخصهای مطلوب کتابهای درسی تهیه شده‌اند که با شاخصهای مطلوب فاصله زیادی دارند. بنابراین، لزوم تعیین شاخصهای مطلوب کتاب درسی بیش از پیش آشکار می‌شود.

پیشنهاد می‌شود شاخصهای مطلوب کتابهای درسی در رشته‌های مختلف دانشگاهی تهیه شود و در اختیار مؤلفان، مدرسان دانشگاهها و ناشران کتابهای درسی و همچنین دفتر انتشارات دانشگاهها قرار گیرد تا کتابهای درسی براساس این شاخصها تهیه شوند.

منابع

- آرمند م و ع رضایی (1381)، «بررسی کتاب درسی معیار در علوم انسانی»، فصلنامه سخن سمت، شماره 8، سال هفتم، تهران: سمت.
- آرمند م، نوروززاده ر، موسی پورن، شعبانی ب و رشکری، (1376)، «ویژگیهای کتاب درسی مطلوب دانشگاهی از دیدگاه استادان و دانشجویان»، فصلنامه سخن سمت، شماره 2، سال دوم، تهران: سمت.
- جمالی زواره ب، (1387) بررسی معیارهای تألیف و تدوین کتابهای درسی مطلوب رشته‌های

دانشکده‌های علوم تربیتی و روان‌شناسی از نظر صاحب‌نظران برنامه درسی، مؤلفان برتر و دانشجویان سال آخر کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان: دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی
 خلخالی م. (1359)، «ویژگیهای مطلوب کتاب درسی و اصول و تنظیم، بررسی و ارزشیابی آن»، نشریه 17، تهران: سازمان پژوهش و نوسازی آموزشی.
 رضی، احمد (1385)، «شاخصهای ارزیابی و نقد کتابهای درسی دانشگاهی»، کتاب درسی دانشگاهی (2): فناوری اطلاعات و ارزیابی، تهران: سمت.
 معاونت پژوهشی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، 1382، در جستجوی راهکارهای درسی، قم: مرکز انتشارات مؤسسه آموزش و پژوهش امام خمینی (ره)
 نصر، جمال‌زواره ب و م آرمند (1385)، «بررسی میزان تحقق معیارهای تدوین کتابهای درسی در کتابهای دوره کارشناسی علوم تربیتی»، کتاب درسی دانشگاهی (1)، ساختارها و ویژگیها، تهران: سمت.

- Bartlett LEJ.A Morgan (1991), *Choosing the College Textbook: Selection Checklist for Instructor use Curriculum and Program planning*, ERIC. Edu.
- Carpenter P.A & MA Just. (1997), "Reading Comprehension as the Eyes See it". In Just M. A. & P. A carpenter (Eds.), *Cognitive Processes in Comprehension*, 109-39, Hillsdale, N. J: Erlbaum.
- Fisher D. (1976), "Spatial Factors in Reading and Research: the Case for Space", in Monty R. A. & J. W. Senders (Eds.) , *Eye Movements and Psychological Processes*, 417-428, Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- Hartley J.(2004), "Designing Instructional Text, Kogan Page", *Handbook of Research in Educational Communication and Technology* (2nd edition) , Mahwah, N. J: Erlbaum.
- .(2005), "IS this Chapter any use? Methods any Evaluating Text", In J R.Wilson 8 n.corlett(Eds), *Evaluation of Human Work* (3rd edition), Boca Raton FloridaL:Cerc Press.
- Montagnes I. (2002). *Textbooks & Learning Materials 1990-1999*, Paris: UNESCO.
- Nagava M & Huttova J. (2006), *Process of Development and Testing of Textbook Evaluation in Slovakia*, Caught in the web or lost in the Textbook? STEF, IARTEM de Bass-Normandie, Paris: Jouve.